



اقرار عالم سنی شیعه شده به اینکه چرا
احترام حضرت زهرا علیها السلام را نگه نداشتند؟!

هوالحکیم

اقرار عالم سنی شیعه شده به اینکه چرا احترام حضرت زهرا علیها السلام را نگه نداشتند؟

به گفته این عالم سنی شیعه شده، خلیفه دوم در زمان حیات رسول الله
کودتا کرد و کسی که به رسول خدا احترام قائل نشود، چطور به دختر
رسول الله احترام خواهد گذاشت؟

من به عنوان یک کسی که قبلاً وهابی بودم و گمراه بودم، می خواستم از نگاه
یک نفر که قبلاً گمراه بود و یک وهابی بود، این مسائل را بررسی کنم، بعداً
تجربیات خودم در این مورد هم بررسی کنم.

ما چند روز عقب برمی گردیم. یعنی قبل از شهادت حضرت زهرا علیها السلام برای
اینکه مسأله ببینیم چی شد. چرا مسائل به شهادت حضرت زهرا علیها السلام رسید؟
چند روز پیش، رسول اکرم در بستر مرگ بود. ما وهابی که بودیم، متأسفانه
وارونه مسائل برای ما روشن می کردند! اما الحمدلله بعد از اینکه هدایت
شدیم، این مسائل را به شکل تحقیقی و علمی بررسی کردیم.

چند روز پیش رسول اکرم ﷺ هم در بستر مرگ بودند و در آخر روزهای زندگی خودش بود و می‌دید که سرنوشت قوم موسی چی بود و سرنوشت قوم حضرت عیسی چی بود. بالاخره می‌داند که بعد از رحلت اکثر یا همه پیامبران، بعد از رحلت ایشان، رحلت حضرت موسی، حضرت عیسی، حضرت نوح، دوباره هم این‌ها گمراه شدند و از راهی که حضرت نوح، حضرت موسی، حضرت عیسی، حضرت ایوب، دوباره به حالت قبلی برگشتند.

و برای اینکه رسول اکرم ﷺ دلش می‌سوزد از آینده امت خود، اسلام خود، خداشناسی خود، امامت خود، قرآن خود، از این‌ها هست. برای اینکه مکتب خودش را بیمه کند، گفت یک «ائتونی بدواة و القلم»، یک کاغذ و یک قلم بیاورید. می‌خواسته تأکید کند جریاناتی که گفته قبلاً در غدیر، در جاهای متعدد. ولی چه اتفاقی افتاد؟

همین خلیفه دوم آمد کاری کرد که عمروعاص در جنگ صفین انجام داد! یعنی واقعاً عمروعاص این کار را از خلیفه دوم یاد گرفته! آمد قرآن را نیزه کرد! در جنگ صفین، قرآن نیزه شد در برابر حضرت امام علی علیه السلام بود.

ولی در این جا آمد گفت شما قرآن گوش می‌کنی یا محمد را؟ متأسفانه یک عده هم فریب خوردند گفتند ما مطیع قرآنیم!

پس آمد به اسم قرآن و واقعاً یک کودتای خطرناک انجام شد. این هم در زمان حضرت رسول اکرم ﷺ و الا رهبر کل، حضرت محمد، پیامبر اسلام، دستور می داد، خلیفه دوم دستور می داد، اکثراً می گفتند نه! باید حرف خلیفه دوم باشد نه حرف محمد! پس واقعاً عملاً رسول اکرم ﷺ دیگر رهبر نیست! خلیفه دوم رهبر شد! این هم در زمان رسول اکرم و اینکه جریان شهادت حضرت زهرا علیها السلام.

بعد هم رسول اکرم ﷺ دید واقعاً الان مطیع خلیفه دوم شدند. دیگر حرفش اصلاً کسی گوش نمی کرد! بلکه بهش توهین شد! «انّ الرجل لیهجر!». یعنی رسول اکرم دیگر دیوانه هست، حرف هذیان می گفت! حرفش، حرف یک نفر هست که نمی داند چه می گوید! و متأسفانه باور کردند!

رسول اکرم ﷺ این موقع گفت: «قوموا عنی!» برو بیرون! از این جا برو بیرون! چون رسول اکرم ﷺ دید ده ها آیه در قرآن آمده است: ﴿وَيَقْتُلُونَ النَّبِيْنَ﴾ یعنی قرآن مکرراً می گفت که اقوام، قبل از حضرت محمد، پیامبران را می کشتند و می داند که اگر اصرار می کرد، همین کاری که به سر پیامبران قبلی کردند یعنی سر این ها بریدند، سر یحیی بن زکریا بریدند، سر پیامبران متعدد بریدند، با این ها هیچ فرق نمی کند! همین جا هم مثلاً سر حضرت رسول اکرم می بریدند و رسول اکرم این ها را بیرون کرد و کاری کرد که رسول اکرم مردد بود!

یا سر من یا سر حسین! ترجیح داد سر امام حسین علیه السلام! چرا؟
چون می‌داند اگر سرش را می‌بریدند، اسلام نابود می‌شد! چون صددرصد
اگر رسول اکرم اصرار می‌کرد، کربلا در کربلا نمی‌شد! کربلا در همین مدینه
می‌شد!

و این‌جا سر محمد سر نیزه می‌شد نه سر امام حسین علیه السلام! این‌جا حضرت
زینب علیه السلام اسیر نمی‌شد، این‌جا حضرت فاطمه علیه السلام اسیر می‌شد! این‌جا سر
امام حسین و امام حسن علیه السلام سر نیزه می‌شد!
پس درواقع عملاً این‌ها بر علیه رسول اکرم صلی الله علیه و آله قیام کردند. کودتا بر علیه امام
علی علیه السلام نبود، بر علیه حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود!

وقتی که این‌جوری شد یعنی چه؟ یعنی دیگر حاکمیت و رهبر مملکت،
خلیفه دوم شد! چون رهبر مملکت کسی هست که دستور می‌داد. الان
دستور، دستور خلیفه دوم هست! بعد چرا مثلاً تعجب می‌کنیم کسانی که به
حضرت محمد صلی الله علیه و آله احترام نکردند، ما فکر می‌کنیم که این‌ها به حضرت
فاطمه علیه السلام، حضرت علی علیه السلام احترام می‌گذارند؟

پس یکی از اشکالات مهم که ما در وهابیت بودیم و متأسفانه اعتقاد من
این‌جور بود که وقتی که وهابی بودم و متأسفانه هنوز الان شما مراجعه کنید
به سایت آقای حارث، هست که همین تفکرات خودم می‌گفت. من فکر
می‌کردم ایشان ممکن هست عقب‌نشینی کند.

آن موقع من هم همراه ایشان بودم که می گفت حضرت فاطمه و امام علی و امام حسن علیه السلام، ستون پنجمند. چرا؟

چون این قدر در ذهن های ما از همین بچگی در مدارس القاء کردند که اسلام یعنی خلیفه اول! اسلام یعنی خلیفه دوم!

وقتی که این ها می گویند حقانیت از آن خلیفه دوم هست، نه از آن محمد، پس تعجب نکنید که می گویند حقانیت از آن خلیفه دوم، نه از آن علی و فاطمه علیهما السلام هست!

چرا ستون پنجم؟ من قبل از اینکه هدایت بشوم، اصلاً شاید صدبار این گونه می گفتم خدا رو شکر که بعد از رسول اکرم، حاکمیت از آن خلیفه اول و خلیفه دوم بود.

می گفتیم و افسوس می خوردیم چرا فاطمه، علی، حسن و حسین، به جای اینکه از اسلام و از خلیفه اول حمایت کنند، خنجر در اندرون اسلام زدند و به اسلام خیانت کردند!

شما کتاب تشیع در قرن بیستم ببینید مال یک وهابی هست، می گفت علناً و این کتاب تدریس می کردیم. الان این کتاب را شما سرچ کنید در گوگل هست.

می گفت آل محمد بعد از رفتن محمد، به اسلام خیانت کردند و یک خنجر و یک ستون پنجم اسلام شدند و به جای اینکه از اسلام حمایت کنند و از

محمد حمایت کنند، به اسلام خیانت کردند و فاطمه کاری کرد که به جای اینکه به حسن و حسین آموزش بدهد که خلیفه اسلام را تقدیس کنند و احترام بگذارند، به حسن و حسین آموزش غلط داده و باعث شده فاطمه که حسن و حسین و فرزندان حسن و حسین، در طول قرن‌ها به اسلام خیانت کنند و باعث شده فرزندان ملعون حضرت زهرا از حسن و حسین در طول سیصد سال، بر علیه حاکمان اسلام شمشیر زدند و فاطمه، بدترین فرزندان را به جامعه تقدیم کرد! این گونه می‌گفت!

اولین خیانت، خیانت فرزندش حسین هست و بعداً اسم می‌آورد در این کتاب: فرزندان حسین و خیانت اسلام.

از اول این‌هایی که قیام کردند بر علیه خلفای عباسی و اموی. ببینید چرا فرزندان حسن و حسین؟ چون زهرا به اسلام خیانت کرد و آموزش داد که به خلیفه اول و دوم احترام نگذارید، پس این‌ها به خلفای اموی احترام نمی‌گذارند و بر علیه امویان و عباسیان قیام کردند!

ما می‌گفتیم مدرسه فاطمه، مدرسه قرآنی و اسلامی نبود! بدآموزی داد به امام حسن و امام حسین! و الا امام حسین اگر واقعاً تو مدرسه قرآن بود و فاطمه به او قرآن یاد می‌داد، بر علیه خلیفه وقت خودش قیام نمی‌کرد!

این آموزشی بود که ما یاد گرفتیم! من برای چه این مسأله را می‌گویم؟ برای اینکه یک عده فکر می‌کنند مسأله فاطمیه، مسأله مهمی نیست!

چرا فاطمیه مهم نیست؟!

الان شما این کتاب را بخوانید. این کتاب هنوز تدریس می شود! یعنی هنوز هست، این ناصبی گری و دشمنی با اهل بیت هنوز هست! مگر کتاب نداریم کتابی که الان در سراسر جهان که می گوید امام جعفر صادق علیه السلام، می گوید نمی گویم صادق هست! می گوید: «جعفر والله لقد كان كاذبا». قسم می خورد که جعفر یک شخص دروغ گو هست!

پس هنوز هست! ناصبی گری هنوز هست و من با این مسأله زندگی کردم. بعد هم یک تحریف کامل هست، هم نسبت به قیام حضرت زهرا، هم نسبت به تفسیر ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ هست!

مثلاً همیشه در مدارس دینی ما، تو مدارس وهابیت می گویند کوثر، الان شما مراجعه کنید به مفسرین، یعنی یک دریاچه در بهشت هست! آقا شما زبان عربی می دانید که بالاخره خدا وقتی که حرفی می زند حتماً اول آیه با آیه دوم با آیه سوم باید بسنجیم!

خداوند این جا می گوید: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ هست.

بعد می گوید: ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾

ابتر در زبان عربی یعنی کسی که فرزند نداشته باشد؛ عقیم می شود.

قرآن می گوید من برای شما یک فرزندی می آورم که بعداً فرزندان زیاد خواهد آمد از او «کوثر»، و کسی که به شما طعنه می زند که شما عقیم هست «ابتر».

الان کسی که به رسول اکرم طعنه زد که هیچ موقع بچه دار نمی شود، همه می گویند الان ابتر شد یعنی عقیم شد!

پس واقعاً این مشکل هست. یکی از مظلومیت اهل بیت که یک عده می آیند می گویند ما نیاز به دهه فاطمیه نداریم! نیاز به دهه مهدویت نداریم! نیاز به دهه رضویت نداریم! دهه امام باقر نداریم!

در حالی که ما همیشه قرآن می خوانیم و رسول اکرم تأکید می کند که ما باید هر چیزی برای قرآن انجام می دهیم، برای آل محمد ﷺ هم انجام بدهیم.

رسول اکرم خیلی کار ظریف انجام داد. گفت قرآن و عترت مانند این دو انگشت یک دست نیست، خیلی مهم است! مانند این دو انگشت نیست!

چرا؟ چون که اگر می گفت مانند دو انگشت یک دست، صد درصد این می شود یکی از این ها مقامش بالاتر هست و یکی از این دو مقامش کوچک تر هست.

ولی رسول اکرم گفت این قرآن و آل محمد مثل این دو انگشت یک دست نیست، بلکه مثل این دو انگشت دو دست هست!

خیلی مهم است. یعنی چه می خوسته بگوید؟!

می خواسته بگوید فاطمه علیها السلام و قرآن یکی هست! اگر می گفت فاطمه علیها السلام و قرآن مثل دو انگشت یک دست هستند، حتماً قرآن بالاتر از فاطمه خواهد شد! ولی گفت نمی گویم مثل آن دو انگشت، می گویم مثل دو انگشت یک دست.

پس چرا ما قرآن همیشه می خوانیم، ولی وقتی که می خواهیم برای حضرت فاطمه علیها السلام ۱۰ روز مجلس بگیریم، می گویم برای چه این کار را می کنیم؟ چرا مثلاً باید میان قرآن و عترت تفکیک کنیم؟ اصلاً حتی اگر بگوییم کل سال برای حضرت فاطمه علیها السلام! ما مخالف خدا نیستیم. خدا گفته قرآن و عترت یکی هستند! هر کاری برای قرآن انجام می دهیم باید برای حضرت فاطمه علیها السلام هم انجام بدهیم!



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir